

فصلنامه راهبرد سیاسی
سال پنجم، شماره ۴، پیاپی ۱۹، زمستان ۱۴۰۰
صفحات: ۸۳-۶۳
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۱؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱
نوع مقاله: پژوهشی

واکاوی تأثیر ابداع « واژه‌سازی » و « نهادسازی » در سبک زندگی سیاسی امام خمینی (ره)

سید حامد عنوانی*، وحیده فخار نوغانی**، سیدحسین سید موسوی***، سید مرتضی حسینی شاهرودی****

چکیده

فرد صاحب سبک در ساحت سیاست، سبک خود را با ابزار ابداعاتی خاص به منصفه ظهور می‌رساند. نقش ابداع در سبک‌سازی آن‌چنان اهمیتی دارد که برخی سبک را بازتاب ابداعات نائل آمده صاحب‌سبک می‌دانند این پژوهش به بررسی تأثیر «ابداع واژه‌سازی» و «ابداع نهادسازی» در سبک زندگی سیاسی امام خمینی (ره) به عنوان رهبر انقلاب اسلامی و فردی صاحب سبک پرداخته شده است. روش کتابخانه‌ای تحلیل داده‌ها در بررسی آثار امام خمینی (ره) نشان می‌دهد فرهنگی که امام با استفاده نوآورانه از ادبیاتی همچون «روز قدس»، «امت اسلامی»، «اسلام ناب محمدی»، «شیطان بزرگ»، «حزب مستضعفین» پایه‌گذاری می‌نمود علاوه بر اینکه مصداقی از ارائه راهکاری جدید برای برون‌رفت از چالش‌های پیش‌روی جهان اسلام و ملت‌های تحت ستم محسوب می‌شد خود به‌نوعی تأسیس نظام جهانی جدید و خاصی برای تسهیل نیل به اهداف سیاست الهی و در نهایت تثبیت سبک ایشان نیز قلمداد می‌شد. نهادهایی که بر اساس توجه به نیازهای زمان و اقتضاء شرایط و مبتنی بر نوع بینش و گرایش امام طراحي و بنا نهاده شد توانست در مدت کوتاهی ثبات لازم برای کنترل جامعه نوپیدای جدید پس از انقلاب را به ارمغان آورد.

کلید واژه‌ها

امام خمینی (ره)، سبک زندگی سیاسی، انقلاب اسلامی، ابداع واژه‌سازی، ابداع نهادسازی.

* دانش‌آموخته دکتری میانی نظری اسلام دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

** استادیار گروه معارف دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

*** دانشیار گروه معارف دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

**** استاد گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

مقدمه

موضوع سبک زندگی در علوم انسانی از جمله موضوعات خاص و حایز اهمیت است. با توجه به تطور این موضوع، امروزه سبک زندگی سیاسی از مهم‌ترین بخش‌های سبک زندگی به‌شمار می‌آید. «سبک زندگی سیاسی» در اصطلاح، مجموعه‌ای نظام‌مند از شیوه‌های مواجهه خاص با مهم‌ترین وظایف زندگی در حیطة زندگی سیاسی است که به‌منظور نیل به اهداف سیاسی حاصل از باورهای اثرپذیرفته از عواطف و شرایط محیطی شکل می‌گیرد (عنوانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۲۲).

خاستگاه مفهوم «سبک»، «هنر» و «ادبیات» است و بررسی تأثیرات سبک در مقوله سیاست امری جدید محسوب می‌شود (نک: مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۲۲۷). برخی از اندیشمندان برای شناخت خصوصیات سبک در ترکیب «سبک زندگی»، از طریق ادبیات و هنر را اقدام 12: 208) (Ansbacher & veal 2000: 12 v23: 1967) و برخی دیگر نیز این خصوصیات را به دیگر رفتارهای ساحات مختلف زندگی انسانی تعمیم داده اند (نک: قاسمی، ۱۳۹۲: ۲۲۷؛ Preziosi 2009: 131؛ Sobel 2013: 1-2). یکی از خصوصیات و بلکه مناطهای تحقق سبک، ابداعات سبک است. بدان معنا که فرد صاحب سبک در ساحت سیاست «شیوه‌های مواجهه خاص با مهم‌ترین وظایف زندگی» را با ابزار ابداعاتی خاص به منصف ظهور می‌رساند. نقش ابداع در سبک‌سازی آن‌چنان اهمیتی دارد که برخی سبک را بازتاب ابداعات نائل آمده صاحب‌سبک می‌دانند (Scheys, 1987: 250). این ابداعات در دو موضوع «ابداع واژه‌سازی» و «ابداع نهادسازی» قابل مطرح است. «ابداع واژه‌سازی» مسیری برای تحقق خارجی تصمیماتی است که او برای تجسم بیرونی سبک اتخاذ می‌کند. ظاهر و باطن این ابداعات که حامل ظهورات بیرونی سبک است در حد ویژگی‌های منحصر به فرد خود سبک بایستی از واقعیات معرفتی و ارزش‌های اخلاقی برخوردار باشند. ضرورت حضور «ابداع نهادسازی» بگونه‌ای است که گاه منویات ماحصل از سبک در قالب بنیانگذاری تشکیلاتی خاص در جامعه هدف صاحب سبک رخ نشان می‌دهد تا بدین ترتیب آن سبک بواسطه آن تشکیلات اجتماعی در جامعه تثبیت و پذیرفته شود. از دلایل مهم انسجام رفتاری حاصل از سبک، تکرار شیوه‌های گزینش‌شده و پرتکراری همین ابداعات است (نک: قاسمی، ۱۳۹۲: ۲۳۰). ابداعات تسهیل‌کننده دسترسی به اهداف کلان است و به سبک تازگی و زیبایی می‌بخشد (نک: قاسمی، ۱۳۹۲: ۲۴۲).

از سویی دیگر، سبک زندگی سیاسی جز از جانب رهبران و نخبگان سیاسی تأثیرگذار و فرهنگ‌ساز جوامع بشری اتفاق نمی‌افتد. در میان این رهبران، امام خمینی (ره) شخصیتی معاصر است که پس از رسیدن به مقامات علمی و نیل به مراحل عرفانی، با به ثمر رساندن انقلاب اسلامی و رهبری آن، سبک ارزشمند و بدیعی از زندگی سیاسی را به منصف ظهور رساند (ن.ک: عنوانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۳۳-۲۳۴).

سؤال این پژوهش آن است که با توجه به صاحب‌سبک بودن امام خمینی^(ع) در سبک زندگی سیاسی، دو ویژگی مهم «ابداع واژه‌سازی» و «ابداع نهادسازی» چگونه در سبک زندگی سیاسی امام خمینی^(ع) حضور داشته است؟

آثار متعددی در مورد تحلیل گفتمان یا اندیشه سیاسی امام منتشر شده است اما در موضوع سؤال پژوهش اثر مستقلاً مشاهده نمی‌شود. روش انجام تحقیق شیوه کتابخانه‌ای است و با روش توصیف و تحلیل داده‌ها از بیانات و تصمیمات زندگی سیاسی امام خمینی^(ع) انجام می‌شود. در ادامه مصادیقی از این دونهوع ابداع را بررسی خواهد شد.

۱. واژه‌سازی در سبک زندگی سیاسی امام خمینی^(ع)

استفاده از ادبیات جدید، هم حاصل ایده‌ها و مبانی فکری و نظری است و هم دعوت‌کننده به آن سبک و در اختیار گذارنده آن افکار برای عموم مخاطبان آن سبک است. بدین روی استفاده از الفاظی نو و ابتکاری، خود یکی از راهکارهای تثبیت یک سبک سیاسی در تبدیل افکار به گفتمان رایج و به تعبیری تحویل ایدئولوژی سبک به زبان سبک است. قاعده‌افزایی در ادبیات انحراف از زبان هنجار نیست بلکه به‌کاربردن قواعدی است اضافه بر قواعد زبان هنجار، آن‌چنان که زبان اثر، ادبی شود (غلامرضایی، ۱۳۸۱: ۲۱). در سیاست نیز صاحب‌سبک می‌تواند با وضع قوانینی خاص اضافه بر قواعد مرسوم راهکاری جدید برای به ثمر رسانیدن اهداف از پیش طراحی شده خویش شود. یکی از خصوصیت‌های بی‌همتای امام که او را از دیگر رهبران جهان و سایر سیاستمداران دنیا متمایز می‌کند و رفتار سیاسی او را در قالب سبک قرار می‌دهد؛ مهارت‌های سخنوری ایشان در استفاده از واژگان منحصر به فرد سیاسی است (ن.ک: جعفر، ۱۳۷۸: ۷۳-۷۴). امام نه تنها در عرصه سیاست‌های اعمالی، بلکه در حیطه سیاست‌های اعلامی خود نیز واژه‌هایی را در ادبیات سیاسی انقلاب وارد کرد که قبل از آن یا وجود نداشتند و یا معانی دیگری از آن‌ها استنباط می‌شد. ایشان با ابداع واژه‌هایی نوین و مفاهیمی جدید و یا ارائه معانی متحول از واژه‌های متداول و مستعمل و یا افزودن متعلق انضمامی و توصیفی به آن، به پایه‌ریزی و تثبیت و گسترش بنیادهای فکری انقلاب اسلامی همت گماشت. پارادایم ادبی امام، الهام‌یافته از ادبیات قرآنی، روایی و اصطلاحات فلسفی، عرفانی و فقهی بود که ایشان به معانی مزبور، مفاهیمی سیاسی و ابعادی اجتماعی بخشیده بود (دهشیری، ۱۳۸۱: ۳۹-۴۰).

مبانی فکری سبک - برآیند حاصل از بینش و گرایش و موقعیت - به جامعه هدف، بیانی را می‌طلبد که با حفظ تمامی ظرایف و غنای محتوایی مفاهیم رفیع، بتواند سبک‌پذیری در مخاطبان را نیز رقم بزند، امام برای تحقق اهداف خویش و به ثمر رساندن رسالت‌هایی که از مبانی نظری خویش تحصیل نموده است از

ادبیاتی استفاده می‌کند که نظیر آن در ادبیات سیاسی مبارزان سیاسی یا علماء همزمان یا پیشین امام مشاهده نمی‌شود.

با تفحص در نامه‌ها، سخنرانی و آثار مکتوب امام به حدود تقریبی دو هزار واژه بدیع دست‌یافتیم این تعداد واژه بدون بررسی کتاب‌های عربی همچون البیع و سایر منابع فقهی است و استخراج جملات و عبارات مبتکرانه عربی، مستلزم بهره‌مندی دقیق علمی از علم بلاغت عربی و خارج از حوصله تحقیقات این تحقیق است. با تفحص در نامه‌ها، سخنرانی و آثار مکتوب امام به حدود تقریبی دو هزار واژه یا عبارت بدیع دست‌یافتیم که در اینجا به‌اختصار مواردی از آن‌ها را ذکر می‌کنیم. چهار قسم از این واژگان عبارت از مفاهیم «رویارو»، «واژه‌های متعامل»، «عبارات نوپیدا» و تعبیر «وصفی یا اضافی» است.^۱

۱- مفاهیم رویارو

از ابداعات خاص امام، خلق واژگان جدید به‌صورت دوگانه‌سازی‌های مفاهیم سیاسی یا مصادره واژگان دوپهلوی و اصلاح آن‌ها (دوگانه‌سازی یا واژگان رویاروی) برای مدیریت فکری و سیاسی جریان‌ات سیاسی داخلی کشور و تأثیر بر روند جریان‌ات سیاسی بین‌المللی است. ایشان با بهره‌گیری از واژه‌های دوگانه سعی داشتند از رهگذر تبیین تقابل و تباین، واژه‌های ادبی جدیدی را وارد حوزه مبارزه کنند و بر اساس قاعده «تُعَرَفُ الْأَشْيَاءُ بِالْأَضْدَادِهَا» به برخی از واژگان مفهوم خاصی ببخشند (نک: طاهری، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۵۰). در واقع، ایشان به‌منظور غنی‌سازی و عوام‌فهم‌شدن برخی از مفاهیم، از مقایسه واژگانی آن مفاهیم با اضدادشان استفاده می‌نمود.

از جمله بنیادی‌ترین این واژگان دو ترکیب «اسلام آمریکایی_اسلام ناب محمدی» است. امام با قراردادن دوگانه اسلام آمریکایی و اسلام ناب محمدی در تقابل و تضاد با یکدیگر، افکار عوام و خواص جامعه را در بسیاری از توطئه‌ها هدایت و جریان‌ات نفوذی را رسوا می‌کرد. مفهوم «اسلام ناب محمدی» بر بنیادهای فقه جواهری، اسلام فقه‌آلود و انقلابی و بر مبنای این‌همانی دین و سیاست و مطابق جامعیت و قلمروی اسلام است و واژه اسلام آمریکایی، مشعر به جدایی دین از سیاست و به‌تبع آن اسلام بی‌تفاوت در مقابل ظلم و زیاده‌خواهی و اسلام کمک به زورگویان و خدمتگزار قدرتمندان و اغنیا است (بیانات مقام معظم رهبری در مورخ ۱۳۸۹/۳/۱۴؛ ۱۳۶۹/۱/۲).

این مدل اسلام را با تعبیری همچون اسلام مقدس‌نماهای بی‌شعور حوزه‌های علمی و دانشگاهی اسلام ساخته و پرداخته سلاطین اموی و عباسی (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۴۸۷)؛ اسلام ذلت و نکبت (امام

^۱ این دسته‌بندی از مقاله «ادبیات سیاسی امام خمینی» تألیف محمدرضا دهشیری اقتباس شده است که در اینجا بسط یافته است.

خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۸۰؛ اسلام پول و زور (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۸۰)؛ اسلام فریب و سازش و اسارت (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۸۰)؛ اسلام حاکمیت سرمایه و سرمایه داران بر مظلومین و پابرنه‌ها (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۸۰)؛ اسلام اشرافیت، اسلام ابوسفیان، اسلام ملأهای کثیف درباری (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۸۰)؛ اسلام مرفهین بی‌درد (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۱۴۵)؛ اسلام رفاه و تجمل (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۱۴۵)؛ اسلام التقاط، اسلام سازش و فرومایگی (همانجا)؛ اسلام سلطنتی، اسلام سرمایه‌داری، اسلام التقاط (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۲۴۰)؛ اسلام در خدمت ابرقدرت‌ها (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۸: ۵)؛ اسلام امریکایی مستکبرین و متکبرین (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۴۶۵)؛ اسلام راحت‌طلبان، اسلام فرصت‌طلبان (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۱۱)؛ اسلام مقدس‌نماهای متحجر (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۱۲۰)؛ تز اسلام منهای روحانیت (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۷: ۴۸۶).

رهبران مروج اسلام آمریکایی که «خطرناک‌ترین دشمن اسلام و مسلمین» هستند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۴۸۹) در قالب الفاظ ذیل معرفی می‌شوند:

«آخوند آمریکایی» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۸، ۹۲)؛ «آخوندهای درباری تأمین‌کننده منافع شیطان بزرگ» (همان، ج ۱۹: ۲۵)؛ «به‌ظاهر معممین» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۲۸۱)؛ «آخوندهای جیره‌خوار تفرقه‌افکن» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۹۴)؛ «روحانی بی‌درد و بی‌مسئولیت» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۲۸۸)؛ «مفتی‌ها و مفتی‌زادگان این نوادگان بَلَعَم باعوراها» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۷۵)؛ «معممین بی‌خبر از دنیا» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۸: ۳۳۵)؛ روحانی‌نمایان و دین به دنیا فروشان (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۲۸۴)؛ معممین ساختگی (همان، ج ۲، ۴۸۹)؛ آخوندهای فاسد (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۲۷۸)؛ علم فروشان بی‌عمل (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۳۳۶)؛ آخوندهای مرتجع (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲: ۴۶۷)؛ یک‌مشت آخوندهای روحانی‌نما (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۷: ۴۸۳)؛ آخوندهای کثیف درباری (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۷: ۵۰۰)؛ آخوندهای درباری از خدای‌خبر (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۸: ۵)؛ آخوندهای مزدور و درباری (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۸: ۸۹)؛ آخوندهای فرومایه (همان، ج ۱۹: ۲۰)؛ آخوندهای حسود دنیاگرا (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۹۱)؛ آخوندهای شکم‌پرور (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۴۳۸)؛ مفتی‌های خودفروخته (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۷۶)؛ مقدس‌نماها و آخوندهای بی‌سواد (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۱۵۲)؛ مقدس‌نماهای احمق (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۱۵۲)؛ آخوندهای خبیث بدتر از طاغوتیان (همان، ج ۲۱: ۳۹۵)؛ بعض آخوندهای بی‌خبر از مقاصد اسلامی (همان، ج ۲۱: ۳۹۶)؛ آخوندهای درباری تأمین‌کننده منافع شیطان بزرگ (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۹: ۲۵)؛ آخوندهای بسیار نافهم یا بسیار مودی (همان، ج ۱۹: ۱۹).

۵۰؛) علمای مزور و سوء (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۳۳۹)؛ آخوند امریکایی (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۸: ۹۲)؛ آخوندهای درباریِ چیره‌خوار (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۹: ۳۳۹).

امام در مقابل آن اسلام ناب را با تعبیری همچون اسلام پاک منزّه از ریا و خدعه و فریب (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۱۴۳) اسلام عدالت‌خواه (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۱۷۱)؛ تنها مکتب نجات‌بخش بشریت (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۳۱۹)؛ اسلام واقعی (همان، ج ۲: ۴۸۷)؛ مکتب مترقی (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۳۲۲)؛ اسلام پرخاشگر بر ستمگران (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۸: ۵)؛ اسلام آدم‌ساز (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۴۱۹)؛ یگانه مکتب استقلال و آزادی‌خواهی (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۴۳۳)؛ اسلام پابرهنگان زمین (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۴۶۵)؛ اسلام انقلابی (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۲۸۳)؛ رژیم اسلامی دلخواه بقیه الله (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۴۴۷)؛ اسلام راستین (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۳۲۴)؛ ثمرات و برکات وراثت و امامت مستضعفان و پابرهنگان (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۳۲۶). ایشان رهبران اسلام ناب را با الفاظی همچون «روحانیت مترقی» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۳۱۴)؛ «روحانیت اصیل و متعهد» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲: ۲۰۹)؛ «شیردلان روحانیت مخالف شرق و غرب و متکی به اصول اسلام ناب محمدی» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۲۷۶)؛ «روحانیون دردآشنای اسلام» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۱۲۰) معرفی می‌نمایند.

از این رو خاستگاه این دوگانه سازی، تفاسیری از دین اسلام است که در آن تعالیم حقیقی اسلام به انحراف کشیده شده تا با دور ساختن جامعه اسلامی از آرمان‌ها و خواسته‌های اصیل، مسیر دشمنان را در راه رسیدن به اهدافشان هموار سازند.

از دیگر مفاهیم رویاروی یکدیگر دوگانه «استضعاف و استکبار» است. امام در جهت تحقق حاکمیت اسلام تلاش می‌کرد با این دوگانه هویت و ماهیت جبهه حق و باطل را به جهانیان معرفی نماید. قراردادن استکبار در مقابل استضعاف که هر دو از درون مایه‌های قرآنی نشئت گرفته است، بیانگر اعطای ابعاد سیاسی اجتماعی به مفاهیمی بود که تا آن زمان صرفاً دارای ابعاد فردی بود. باین‌وجود، تعبیر تقابلی مزبور توانست کاربرد جدیدی از مستکبرین و مستضعفین را در ادبیات سیاسی اجتماعی جهان اسلام به منصفه ظهور برساند که تا قبل از امام، به این گستره و با این معنا مورد استفاده قرار نگرفته بود (دهشیری، ۱۳۸۱: ۴۱).

در ادبیات گفتاری و نوشتاری امام، این واژگان مجدداً استیلای خود را در قالب خرده‌گفتمان‌هایی مانند استکبارستیزی و مستضعف پروری در درون گفتمان بزرگ‌تر حکومت اسلامی دلالت‌ها و مصادیق عینی و به‌روز خود را پیدا نمود؛ به‌گونه‌ای که امام نهضت خود را نهضت پیروزی مستضعفان بر ضد مستکبران می‌نامید (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۷: ۱۱۳ و ۲۹۲). ایشان از دوازدهم فروردین ۱۳۵۸ دو جبهه استکبار و استضعاف را در

زمره واژگان سیاسی روز دنیا اضافه نمودند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۶: ۴۵۲). پس از آن بارها و بارها به بصیرت-افزایی و گسترش محتوای این ادبیات جدید پرداخت (برای نمونه ن.ک: امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۶: ۵۳؛ ج ۱۹: ۱۰۵؛ ج ۲۱: ۱۲)؛ چنانچه استفاده از لفظ بدیع «شیطان بزرگ» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۱۲) برای معرفی آمریکا به‌عنوان نماینده و مظهر بطلان، کفر و سلطه‌گری در مقابل «تیروی ایمان» به‌عنوان مظهر حق، حقیقت، الوهیت، شکست‌ناپذیری و پیروزمندی نهایی (ن.ک: همان، ج ۱۲: ۳۲، ۳۵ و نیز ن.ک: امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۷: ۶۲؛ ج ۱۰: ۷۵؛ ج ۱۱: ۳۶۶؛ ج ۱۶: ۳۳۹)، روحیه امید به امت اسلامی و حزب‌اللهی در غلبه بر قوای شیطان و حزب شیاطانی را اعطا می‌نمود (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲: ۲۳۱).

امام در تقابل با استکبار جهانی (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۸۱) و استضعاف زدایی از ملت‌های فقیر، دوگانه استقلال طلبانه «نه غربی و نه شرقی» را باهدف برقراری «حکومت جهانی اسلام» مطرح کرد (ن.ک: امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۹: ۱۶۶؛ ج ۲۱: ۱۴۳). علاوه بر اینکه ایشان با پیشنهاد تأسیس حزبی با عنوان «حزب مستضعفین» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۹: ۲۸۰)، نوعی وحدت انسجامی را در بین مستضعفان جهان ایجاد نمود (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۳۳۱). وی در راستای استکبارستیزی دوگانه «خودی» و «اجنبی» را مطرح نمودند. این امر علاوه بر اینکه اصرار امام به دست‌یافتن به وحدتی پایدار در بین نیروهای وفادار به حق و طرد و شناسایی عناصر نفوذی دشمن را نشان می‌داد؛ نشانگر تلاش ایشان در گسترش دایره نیروهای جبهه حق و نفی انشقاق درونی، از رهگذر طرد و نفی نام‌گذاری یکدیگر به دوگانه استعماری «تندرو و کندرو» بود (ن.ک: امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۸: ۵۵؛ ج ۱۵: ۳۷؛ ج ۱۷: ۴۱۳؛ ج ۲۰: ۷۹، ۱۶۳).

۱-۲ واژه‌های متعامل

امام واژه‌هایی را به‌صورت انضمامی در کنار یکدیگر به کار می‌بردند تا هم‌زمانی آن دو واژه، مکمل و متعامل بودن آن مفاهیم با یکدیگر را نشان دهد؛

«استقلال و آزادی» از بهترین نمونه‌های مفاهیم متعامل در کلام امام است. از نظر ایشان حاکمیت ملت بر سرنوشت خود مستلزم، رهایی از قیود وابستگی، اختناق و استبداد است. از دیدگاه ایشان، استقلال فرهنگی با آزادی اسلامی ملازم دارد؛ چراکه استقلال فکری مستلزم آزاد شدن از غرب‌زدگی و نفی تقلید فرهنگ غربی و طرد آزادی غربی است (نک: امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۹: ۱۵۸). در عوض کسب استقلال و آزادی اسلامی در حدود قانون و مطابق فطرت انسانی و اسلامی، وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف کلان به‌ویژه استقلال فکری و فرهنگی به شمار می‌آید. امام می‌فرمود «ما ارزش حیات را به آزادی و استقلال می‌دانیم. دستورات مذهبی ما، که مترقی‌ترین دستورات است، راه ما را معین فرموده است» (نک: امام خمینی،

۱۳۸۵، ج ۶: ص ۲۱۹). در واقع، استقلال در تمامی ابعاد آن و آزادی از جنبه‌های انسانی و فطری نقطه اتکای انقلاب اسلامی به شمار می‌آیند (دهشیری، ۱۳۸۱: ۴۳).

از دیگر واژگان تعاملی مورد استفاده امام عبارت‌اند از «احکام اولیه و احکام ثانویه» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۷: ۲۵۰؛ ج ۱۸: ۴۶۴؛ ج ۲۰: ۴۸۱)؛ «حکم حکومتی و حکم شرعی» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۶: ۲۱۵؛ ج ۲۰: ۴۵۷)؛ «دین و سیاست» (نک: امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۲۶۱؛ ج ۱۵: ۲۷۹)؛ «حوزه و دانشگاه» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۹۹)؛ «علم و تعهد» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۳: ۴۱۳)؛ «دولت و ملت» (همان، ج ۱۲: ۳۳۷؛ ج ۱۶: ۲۷۴)؛ «ملّی و الهی» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۷: ۶۷)؛ «کوله‌بار غرب‌زدگی و شرق‌زدگی» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۷: ۳) اسلام فریب و سازش (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۸۰) اسرائیل دشمن اسلام و انسانیت (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۷۳)؛ ابرقدرت‌های اشغالگر جهان و دشمنان اسلام (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۳: ۲۴۵)؛ مبارزه علمی و عملی بزرگ (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۹۶) است. این ترکیب واژگانی نشانگر عدم انفکاک معنایی این مفاهیم و ضرورت تلفیق، تکمیل و هم‌زمانی مقولات مزبور همچون دو بال برای رسیدن به مراتب ترقی و تعالی و پیشبرد اهداف و مقاصد زندگی سیاسی است.

۱-۳ واژه‌ها و عبارت نوپیدا

امام با ابداع برخی واژه‌ها و یا افاده معانی نوین از واژه‌های متداول، تعبیری یگانه را به منظور جهت‌دهی به نهضت‌های آزادی‌خواهانه مردم و یا نفی جریان‌های منحرف و حرکت‌های ضداسلامی به ادبیات انقلابی وارد کردند (دهشیری، ۱۳۸۱: ۴۵). امام با این عبارت‌ها گفتمانی جدید که مشعر بر اهداف، سیاست‌ها و نهادها و نمادهای انقلابی است به افکار عمومی شکل جدیدی از شور انقلابی و شعور معرفتی می‌بخشید. از جمله این واژگان، واژه «امت» که کلمه‌ای قرآن که در لغت به معانی همچون الگو (نک: سوره نحل/۱۲۰)، راه‌روسم (زخرف/۲۲ و ۲۳) است که سابقه‌ای در ادبیات سیاسی گذشته ندارد و با گفتمان سیاسی امام برای مواجهه با فرهنگ ملی‌گرایی وارد ادبیات انقلابی جهان گردید. در ادبیات امام، امت دلالت بر جوامعی هدفمند دارد که دین اسلام را به‌عنوان آئین سعادت‌بخش در قلمرو مادی و معنوی خویش پذیرفته‌اند ولی فراتر از مرزهای ملی و محدودیت‌های جغرافیایی خود بدان می‌نگرند (گوهری مقدم؛ لطیفی، ۱۳۹۴، ۱۳۷). ایشان بیش از ۱۵۰ بار در سخنرانی‌های خود این کلمه را تکرار نموده تا تأکیدی بر هویت اسلامی مسلمانان و استقلال سیاسی پیروان آیین اسلام باشد. این واژه پرچم بلندی است تا به همه جوامع اسلامی این تذکر را برساند که هر مسلمانی در هر کجای از دنیا واقع شده باشد تنها نیست بلکه متعلق به جامعه بزرگ واحدی مبتنی بر برادری اسلامی است. امام برای نیل به اهداف خود در انتقال مفاهیمی همچون هویت اسلامی، وحدت اسلامی، ظلم‌ستیزی و حق‌طلبی از این واژه استفاده نموده است (همان).

واژه ابداعی دیگر ایشان «مصلحت» است که هرچند توسط شیخ مفید در علم فقه پایه‌ریزی شد (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۸۸) ولی توسط امام در فقه حکومتی که ناظر به موضوعات سیاسی و اجتماعی است تسری پیدا نمود. مجموعه اظهارنظرهای امام درباره مصلحت، تحت عناوین هشت‌گانه زیر ارائه شده است: صلاح (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۳۷۱)؛ مصالح کشور (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۴۱۹، ۴۲۸، ۴۳۶)؛ مصالح مسلمین (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۵۵، ۶۲؛ ج ۹: ۲۹۰)؛ مصلحت بقای انقلاب (همان، ج ۲۱: ۲۸۴)؛ مجمع تشخیص مصلحت (همان: ۱۱۸؛ ج ۲۰: ۴۶۴)؛ مصلحت نظام (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۹۲؛ ۲۰۳، ۳۳۵)؛ مصلحت اسلام (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۹۳؛ ج ۹: ۴۴؛ ج ۱۰: ۴۰۷؛ ج ۱۳: ۱۰۳؛ ج ۲۱: ۳۲۷)؛ مصلحت زجرکشیده‌ها^۱.

از دیگر ابداعات تاریخ‌ساز امام نام‌گذاری روزی به نام «روز قدس» است. رفع و دفع جنایات تحمیل شده بر فلسطینیان و لزوم چاره‌جویی برای آنان هدف بسیار مهم دیگری است که امام در راستای مبارزه با استکبار جهانی اقدام به واژه‌سازی‌های ماندگار در آن کردند. اصرار بر مسئله آزادسازی فلسطین از چنگال غاصبان پس از انقلاب اسلامی در گفتار امام نمود توفنده‌تری یافت. ایشان در همان سال‌های نخستین انقلاب با نام‌گذاری آخرین جمعه ماه رمضان به نام «روز قدس» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۹: ۲۶۷) پنجره جدیدی را رو به آرمان‌های فلسطینیان گشود و امید تازه‌ای را به دل مظلومان فلسطینی تاباند و میلیون‌ها انسان آواره و مبارز را برای مقابله عملی با توطئه‌های رژیم اشغالگر قدس مصمم‌تر و استوارتر کرد. عبارت‌هایی که امام در مورد رژیم اشغالگر قدس به کاربرد علاوه بر اینکه ماهیت حقیقی این رژیم و حامیانش را بیشتر از گذشته برملا ساخت؛ انگیزه مضاعفی را در میان مجاهدان و رزمندگان جبهه مقاومت ایجاد کرد؛ عبارت‌هایی همچون «جرثومه فساد» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۴۸۲)؛ «صهیونیسم کافر ضد بشر» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۹۹)؛ «غده چرکین و سرطانی صهیونیسم» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۳۲۰)؛ «گرگ‌های خون‌آشام صهیونیسم» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۳۲۰)؛ «صهیونیسم بین‌المللی به سرکردگی امریکای جهان‌خوار» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۶: ۵۳)؛ «اسرائیل خونخوار و غاصب» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۶: ۳۶۶)؛ «حکام تروریست و جنایت‌پیشه اسرائیل» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۶: ۵۱۰)؛ «ولیده فاسد {آمریکا}» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۹: ۲۸).

^۱ چنانچه می‌فرمود: «مصلحت زجرکشیده‌ها و جبهه‌رفته‌ها و شهید و اسیر و مفقود و مجروح داده‌ها و در یک کلام، مصلحت پابره‌نه‌ها و گودنشین‌ها و مستضعفین، بر مصلحت قاعدین در منازل و مناسک و متمکنین و مرفهین گریزان از جبهه و جهاد و تقوا و نظام اسلامی مقدم باشد» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۳۳۳).

۲. تعابیر وصفی یا اضافی

از دیگر تعابیر ابداعی حضرت امام می‌توان به تعابیر وصفی یا اضافی در کلام ایشان اشاره کرد که با اضافه‌شدن واژگان توصیفی، مقاصدی نوین را عرضه می‌داشتند و به مفاهیم موجود بار سیاسی جدیدی می‌بخشیدند. این واژگان را که نشانگر اهتمام ایشان در پایه‌ریزی یک فرهنگ جدید اجتماعی در مقیاس کلان جوامع بشری است در دو ساحت در «سیاست داخلی» و «سیاست خارجی» می‌توان ارائه داد.

۲-۱ تعابیر وصفی و اضافی در ساحت سیاست داخلی

برخی از تعابیری وصفی و اضافی که امام در موضوع سیاست داخلی به ادبیات سیاسی کشور اضافه نمود و بدان واسطه اهداف سیاسی خویش را مطرح می‌نمود بدین ترتیب است:

قیام اصلاحی (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۳)؛ نخست‌وزیر خبیث بی‌سواد (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۶۱)؛ انتخابات خائنانه (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۱۰۱)؛ سند بزرگ عقب‌افتادگی (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۲۵)؛ قیام تمدن (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۷: ۶)؛ قیام انسانیت (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۷: ۶)؛ پرتگاه افتراق (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۴: ۲۱۶)؛ معارف دانش سوز شرف برانداز (همو، ۱۳۶۳: ۲۹۳)؛ برقراری حکومت قرآن (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۱۵۲)؛ یک ارتش انگلی (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۳۰۸)؛ فریب افکار جهانی (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۱۳۹)؛ قدرت نظامی جهنمی شاه (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۳۰۴)؛ اعتصاب مقدس (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۴۹۸)؛ دشمن خونخوار استقلال کشور (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۳۸۲)؛ نظام سیاه شاهنشاهی (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۵۱۱)؛ چنگیز عصر ما (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۴۰۵)؛ ضحاک عصر (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۳۵۹)؛ صحنه حماسی تسخیر لانه جاسوسان (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۳۲۴)؛ جنایات شاهانه (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۳۵۹)؛ ملت حماسه (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۶: ۳۴۶)؛ جشن مرگ استعمار (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۴۹۱)؛ صبر انقلابی (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۶: ۴۹)؛ روحانیت بیدار (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۳۵۰)؛ ننگین‌ترین و موهن‌ترین تصویب‌نامه غلط دولت‌های بی‌حیثیت (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۱۰)؛ سران سرسپرده کشورهای اسلامی (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۳۲۹)؛ سند بردگی ملت ایران (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۰۹)؛ «دانشگاه اسلامی» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۸: ۱۲۱)؛ «دانشگاه انسانی» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۸: ۱۲۱)؛ «عقل سیاسی» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۴: ۱۷۷، ۱۹۲)؛ «صدور انقلاب» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۳: ۲۸۱)؛ «تفکر بسیجی» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۱۹۵)؛ «یوم‌الله» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۹: ۴۶۶)؛ ج ۱۴، ۶۴؛ ج ۱۷: ۳۰۳)؛ «شهید محراب» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۶: ۳۷۲)؛ «دولت خدمتگزار» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۸: ۳۳۲)؛ «حج ابراهیمی» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۶: ۵۱۵)؛ «جتهاد جواهری» (امام خمینی، ۱۳۸۵،

ج ۲۱: ۲۸۹؛ «سیاست اسلامی» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۱۷۰)؛ رواج روزافزون فرهنگ اجنبی استعماری (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۳۴۶)؛ روز عزای ملی (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۱۵۸)؛ سلطنت باطل (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۲۶۱)؛ اغراض نامشروع دستگاه جبار (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۴۸۳)؛ مصرفی نمودن ملت (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۴۱۷)؛ نرمش‌های شیطنی و توبه‌نامه‌های ابلیسی (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۳۵۱)؛ سفره یغمای عهد سلطنت شیطنی (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲: ۱۵۶)؛ سلطنت غاصبانه محمدرضا پهلوی (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲: ۱۵۹)؛ مبارزات حق‌طلبانه ملت ایران (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۲۳۱)؛ یک ملت خیانت زده (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۷: ۳۱۸)؛ تفاله‌های رژیم طاغوتی (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۴: ۴۰۸)؛ حزب مفتضح رستاخیز (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۲۶۷)؛ دولت ابلیس (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۴۶۱)؛ روز صیقل انسانیت انسان‌ها (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۱۲)؛ جبهه‌های انسان‌ساز (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۸: ۷۴)؛ گلوله حيله و مقدس‌مآبی و تحجر (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۲۸۰)؛ انقلابی‌نماهای کم شخصیت و خودفروخته (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۳۲۰)؛ رژیم پوسیده غیر عقلایی (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۶: ۵۶)؛ گزافه دعوی ترقی (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۲۴)؛ مصلحت نظام (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۴۶۴)؛ جهاد سازندگی (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۸: ۱۸۳)؛ تظاهرات اسلام کش (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۲۱۱)؛ راحت‌طلبان سودجو (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۲۱۱)؛ فقه پویا (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۲۸۷)؛ رهبری روحانیت متعهد (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۳۳۶)؛ انقلابی‌نماهای کم شخصیت و خودفروخته (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۳۲۰)؛ روحانیت ناآگاه و آگاه وابسته (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۲۷۸)؛ دوران وانفسای نفوذ مقدسین نافهم و ساده‌لوحان بی‌سواد (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۲۷۹)؛ سیاسیون ظاهرالصلاح وابسته به امریکا (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۶۱۷).

۲-۲ تعابیر وصفی و اضافی در ساحت سیاست خارجی

برخی از تعابیری وصفی و اضافی که امام در موضوع سیاست خارجی به ادبیات سیاسی جهان اضافه نمود و بدان واسطه اهداف سیاسی خویش را در تأثیرگزاری در سرنوشت مردم دنیا مطرح می‌نموند بدین ترتیب است.

سازمان‌های نوکر ابرقدرت‌ها (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۶: ۳۸۱)؛ تصمیمات دیکته‌شده صاحبان زر و زور و تزویر (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۳۳۷)؛ نمایش قدرت اسلام (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۳۴۳)؛ دولت پویشالی اسرائیل (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۲۵)؛ استعمار نو (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۴۵۰)؛ شیطان بزرگ (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۸: ۸۷)؛ حج کوبنده (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۸: ۵۳)؛ سلاح نفت (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۶: ۳۶۳)؛ جهان پابرهنگان تشنه عدالت (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۶۱۷)؛ مرگ آباد

تحریر (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۲۴۰)؛ تهاجم فرهنگ‌های مبتذل (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۳۳۷)؛ صدور اسلام راستین (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۳۴۵)؛ پناهگاه مسلمانان آزاده جهان (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۹۱)؛ فرزندان معنوی رسول الله (ص) (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۸۹)؛ فرزندان انقلاب (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۸۹)؛ اقتصاد بیمار سرمایه‌داری غرب (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۳۴۰)؛ مظهر استثمار جهانی (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۴۷۷)؛ قوای گول خورده بعث کافر عراق (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۴: ۲۱۶)؛ ابرقدرت‌های آدم‌خوار (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲: ۲۶۵)؛ اجیرشدگان شیطان بزرگ (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۳۴۹)؛ بردگی جدید (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۳۳۹)؛ بسیجیان جهان اسلام (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۳۱۸)؛ پابره‌های مغضوب دیکتاتورها (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۳۱۸)؛ بازی‌های سیاسی مدعیان مبارزه (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۵: ۱۷۲)؛ جنگ دیپلماسی (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۸۶)؛ قرن شکستن بت‌های بزرگ (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲: ۱۶۰)؛ مرعوب فانتوم امریکا (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۴۲۸)؛ ماهیت واقعی دشمنان انسانیت (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۵: ۱۵۸)؛ پیاده کننده منویات شوم امریکا (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۶: ۳۰۸)؛ وسوسه‌های شیطانی بستگان دستگاه ظلم (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۳۱۰)؛ اسلحه‌دارهای بی‌صلاحیت بی‌عقل (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۲۹۷)؛ سیاست‌بازان پیوسته به غرب و شرق (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۴۱۷)؛ مسیر سیاست مین‌گذاری شده خلیج فارس (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۳۳۰)؛ ولایت کرملین یا قیوموت امریکا (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۳۱۷)؛ رمی استعمار (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۳۱۹)؛ دنیاخواران (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۳۱۹)؛ خطر فراگیری غده چرکین و سرطانی صهیونیسم (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۳۲۰)؛ ناقوس مرگ امریکا (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۸۲)؛ دنیای تفرعن و استکبار و بربریت (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۲۹۱)؛ کربلای خون‌رنگ ایران (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۳۲۳)؛ سنگرهای کلیدی جهان (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۳۲۵)؛ راهپیمایی براثت (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۸۳)؛ حزب مستضعفین (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۹: ۲۸۱)؛ فرعون زمان (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۶: ۴۵۳)؛ کاخ‌های سپید و سرخ مراکز ظلم (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۷: ۴۸۱)؛ تجسیم تلخکامی گرسنگان مغضوب قدرت و پول (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۱۴۵)؛ ننگ سلطه صهیونیسم (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۵: ۶۱)؛ سرسپرده نوکرهای استعمار (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۲۲)؛ قرن انسان‌های متعهد (همو، ۱۳۸۵، ج ۱۲: ۱۶۰)؛ قیام همگانی مستضعفین جهان (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۵: ۳۱۵)؛ آدمک‌های استعمارزده (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۱۹۲)؛ صهیونیسم بین‌الملل (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۳: ۲۱۲)؛ حیات ننگین آل سعود (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۸۰)؛ مبدأ قیام عمومی مسلمین و مستضعفان (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۵: ۱۴۵)؛ بت سیادت تحمیلی جهان‌خواران (امام خمینی،

۱۳۸۵، ج ۲۰: ۳۳۸؛ سازمان‌های دروغین حقوق بشر (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۴: ۴۷۲)؛ عصر حکومت شیطان بر زمین (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۶: ۴۸)؛ نسیم بیداری (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۹: ۱۴۸)؛ دل‌سوختگان واقعی مظلومان (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۹: ۱۴۸)؛ بزرگ‌ترین پایمال‌کنندگان حقوق انسان‌ها (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۹: ۱۴۸)؛ مصلحت آینده اسلام (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۳۳۴)؛ مکیدن خون فرهنگ اصیل اسلامی (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۱۴۵).

۳. ابداع در نهادسازی در سبک زندگی سیاسی امام خمینی^(۵)

از جمله اوصاف سبک، قاعده ابداع در نهادسازی است (غلامرضایی، ۱۳۸۱: ۱۹-۲۱). این ابداع، در حوزه سبک زندگی سیاسی به این معنا است که با به‌کارگیری نهادهای حاکمیتی جدید، راهکارهای طراحی‌شده برای حل مسائل و مشکلات پیش روی نظام جدید تسهیل شود (نک: همانجا). از این‌رو نهادسازی، انحراف از عرف و هنجارهای عادی نیست بلکه تأسیس سازمان‌ها و نهادهایی خاص علاوه بر نهادهای مرسوم است. زمانی رهبران سیاسی در سبک زندگی سیاسی خود می‌توانند به اهدافشان نائل شوند که علاوه بر اینکه دستگاه‌های موجود در جامعه بر اساس آن سبک متحول گردند، سایر دستگاه‌های اجرایی متناسب با اهداف آن سبک نیز در جامعه تشکیل شود. امام، ضمن رهبری انقلاب اسلامی و جایگزین نمودن نظام اسلامی با رژیم طاغوتی، نسبت به هر دو این امور اقدام کرد؛ در بخش نخست، امام در دستگاه‌های موجود در نظام سیاسی کشور، تحولاتی شگرف ایجاد نمود؛ به‌عنوان نمونه در مقوله نظامی، امام با تغییر در ساختارها، روش‌ها و آرمان‌های ارتش ساخته و پرداخته فرهنگ شاهنشاهی، آن را به ارتشی انقلابی، متدین و مؤمن مبدل نمود (نک: بیانات رهبر انقلاب: ۱۳۷۷/۷/۲۲). در بخش نهادسازی، امام با درک صحیح از نیازهای حال و آینده جامعه و اقتضائات مکانی و زمانی لازم در ساحت سیاست داخلی و خارجی مدنظر خویش اقدام به راه‌اندازی و مطالبه سازمان‌ها و نهادهایی خاص نمود. این نهادها علاوه بر اینکه خلأهای موجود در نهادهای کشور را می‌پوشانید و از کیان هویت جدید سیاسی مردم در عمل مراقبت می‌نمود؛ از لحاظ تشکیلاتی و سازمانی نیز مسیر تحقق اهداف و ادای وظایف موردنظر را نیز هموار می‌نمود. امام با طراحی و مطالبه مبتکرانه و بی‌سابقه نهادهای متعدد، مسیری را که برای آینده نظام در نظر گرفته بود؛ تداوم بخشید. امام از مبتکرانه بودن این‌گونه نهادها به‌صراحت سخن گفته است و آن‌ها را نوآوری‌های بی‌سابقه‌ای معرفی می‌کند که به برکت اسلام و تعهد ملت به اسلام پیدا شده است (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۷: ۴۲۴). امام با طراحی و مطالبه مبتکرانه و بی‌سابقه نهادهای متعددی در عمل تحقق اهداف خویش را در جامعه نوپنهاد اسلامی تداوم بخشید. در ادامه به معرفی اجمالی این نهادها می‌پردازیم شایان ذکر است بعضی

این نهادها پس از تأسیس، زیر نظر ولایت فقیه قرار گرفتند و خط‌مشی‌های فعالیت آن مشخص می‌شد، ولی به مرور و با مشخص‌تر شدن مسئولیت‌ها، بعضی از این نهادها با یکدیگر یا در سایر ارگان‌های دولتی تلفیق گردیدند.

- شورای انقلاب

شورای انقلاب، نخستین نهاد رسمی انقلاب اسلامی است که به فرمان امام تأسیس و بنیان نهاده شد. امام خمینی (ره) در ۲۲ دی ۱۳۵۷ یعنی یک ماه قبل از سقوط رژیم پهلوی، فرمان تشکیل نهاد شورای انقلاب را صادر نمود که تقریباً همه امور دولت انقلابی را انجام می‌داد (همان، ج ۵: ۴۲۶ و نیز ن.ک: طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۱۴۳).

- کمیته‌های انقلاب

امام جهت خلع سلاح عمومی مردم و تأمین نظم و امنیت پس از اسقاط رژیم پهلوی، طی پیامی فرمان دادند سلاح‌هایی که مردم و جوانان از مراکز نظامی به دست آورده‌اند به مساجد محلشان تحویل بدهند و حفاظت محله‌ها و مراکز مؤسسات را منطبق مختلف کشور را زیر نظر ائمه جماعت عهده‌دار شوند.

هم‌زمان با این پیام، کمیته‌های انقلاب اسلامی شکل گرفت و امام طی فرمانی، مهدوی کنی را مأمور تشکیل کمیته مرکزی انقلاب اسلامی کردند (ن.ک: امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۶: ۱۳۱-۱۳۳، ۱۳۷؛ هاشمی؛ رنجبر: ۱۳۸۷).

- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

امام دوم اردیبهشت سال ۱۳۵۸، به‌صورت رسمی، فرمان تشکیل این نیرو را جهت حفاظت از کیان انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن، زیر نظر شورای انقلاب صادر کردند (ن.ک: اصل ۱۵۰ قانون اساسی؛ قاسم‌پور، ۱۳۸۳: ۱۷۴-۱۸۱).

- بسیج مستضعفان انقلاب اسلامی

در روز ۴ آذر ۱۳۵۸ امام خواستار آموزش نظامی همگانی و تشکیل ارتش بیست میلیونی شد. ایشان با تأکید بر لزوم وحدت و آمادگی در برابر تهدیدهای ضدانقلاب اسلامی تأکید کرد: «مملکت اسلامی همه‌اش باید نظامی باشد و تعلیمات نظامی داشته باشد ... همه‌جا باید این‌طور بشود که یک مملکتی بعد از چند سالی که بیست میلیون جوان دارد، بیست میلیون تفنگ‌دار داشته باشد و بیست میلیون ارتش داشته باشد» (امام خمینی، ۱۳۸۵ ج ۱۱: ۱۲۱-۱۲۲) و به‌این ترتیب بنیان بسیج با نام اولیه «سازمان بسیج ملی» فراهم شد.

- مجلس خبرگان قانون اساسی

مجلس خبرگان قانون اساسی در روز ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ با پیام امام خمینی افتتاح شد. ۷۵ نفر عضو این مجلس پس از سه ماه تلاش و فعالیت بی‌وقفه، کار تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی را در ۲۴ آبان ۱۳۵۸ در دوازده فصل و ۱۷۵ اصل و یک مقدمه و مؤخره به پایان رساندند و حاصل کارشان در تاریخ ۱۲ آذرماه ۱۳۵۸ به‌عنوان اولین قانون اساسی جمهوری اسلامی در یک همه‌پرسی عمومی از سوی اکثریت مردم به تأیید رسید (ن.ک: امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۷: ۲۹۵، ۴۸۲؛ ج ۹: ۳۰۸).

- مجلس خبرگان رهبری

مجلس خبرگان، مجلس متشکل از فقیه‌های «واجد شرایطی» است که بر اساس اصل ۱۰۷ قانون اساسی، مسئولیت تعیین و نظارت بر ولی‌فقیه را دارد. این نهاد از نهادهای ابتکاری در نظام سیاسی جمهوری اسلامی است که برای اولین بار، در ضمن تدوین در قانون اساسی در زمره حقوق اساسی مردم ایران قرار گرفت و به جهت تداوم یافتن نظام جمهوری اسلامی و شرعیت بخشیدن به آن، از تیرماه ۱۳۶۲ به نهادهای جمهوری اسلامی اضافه گردید (ن.ک: امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۸: ۳).

- جهاد سازندگی

جهاد سازندگی در ۲۷ خرداد ۱۳۵۸ باهدف آبادانی مناطق محروم کشور با فرمان امام خمینی (ره) تشکیل گردید. امام به هنگام تشکیل جهاد سازندگی فرمود: «باید ما بگوییم یک جهاد سازندگی، موسوم کنیم این جهاد را به «جهاد سازندگی» که همه قشرهای ملت، و ... همه با هم باید تشریک‌مساعی کنند و این ایران را که خراب شده است بسازند ... الان که مرحله سازندگی است، ما دستمان را پیش ملت دراز می‌کنیم و از ملت می‌خواهیم که همه در این نهضت شرکت نمایند» (ن.ک: امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۸: ۱۷۹-۱۸۰) به دنبال صدور این فرمان، اقشار مختلف مردم جهت محرومیت‌زدایی بسیج شدند.

- دادگاه انقلاب اسلامی

در ۵ اسفند سال ۱۳۵۷ دادگاه انقلاب اسلامی از جمله نخستین نهادهای انقلابی بود که به فرمان امام بنیان نهاده شد تا بر طبق موازین اسلام و به جهت اقامه حدود شرعی، خائنان به دین و ملت را به کیفر جنایات ارتكابی خود برسند (ن.ک: امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۶: ۲۱۵، ۴۸۳).

- بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی

بنیاد مستضعفان از نهادهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که در ۹ اسفند ۱۳۵۷، در پی صدور فرمانی از امام تأسیس شد که به‌موجب آن شورای انقلاب مأموریت یافت تمام اموال منقول و غیرمنقول

سلسله پهلوی و کارگزاران اصلی این رژیم را که از بیت‌المال اختلاس می‌کرده‌اند، به نفع مستمندان، کارگران و کارمندان ضعیف مصادره نماید (ن.ک: امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۶: ۲۶۷).

- کمیته امداد امام خمینی^(۵)

سابقه کمیته امداد، به سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بازمی‌گردد که تعدادی از انقلابیون از طرف امام مأموریت پیدا کردند که به خانواده‌های زندانیان، نیازمندان و مبارزان رسیدگی کنند. با پیروزی انقلاب اسلامی، برنامه حمایت از نیازمندان که از سال‌های پیش از آن توسط تعدادی از خیرین انقلابی آغاز گردیده بود به طور تشکیلاتی با صدور فرمان امام در غالب مؤسسه‌ای عام‌المنفعه ذیل عنوان کمیته امداد در اسفند ۱۳۵۷ تشکیل گردید (ن.ک: امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۶: ۳۶۷). امام از مبتکرانه بودن این نهادها به‌صراحت سخن گفته است؛ چنانچه می‌فرماید:

«بعد از انقلاب یک گروه‌هایی پیدا شدند و یک جمعیت‌هایی که نظیر اینها در تاریخ گمان ندارم سابقه داشته باشد. همین گروه امداد و کمیته امداد، من نشنیده‌ام که در یک کشوری یک همچو کمیته‌ای باشد که هم‌تشان صرف رسیدگی به فقرا و مستمندان و دهقانانی که در دورافتاده شهرها قرار گرفته‌اند و محرومان جامعه و همین‌طور نهادهای دیگر از قبیل پاسدار، کمیته و امثال اینها، بسیج، اینها یک نوآوری‌هایی است که به برکت اسلام و تعهد ملت ما به اسلام پیدا شده است و بی‌سابقه است» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۷: ۴۲۴).

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (حساب ۱۰۰ امام)

بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در پی فرمان امام در فروردین ۱۳۵۸ و افتتاح حساب ۱۰۰، در اردیبهشت همان سال فعالیت خود را آغاز کرد. این بنیاد بعدها بر اساس اصل سی و یکم قانون اساسی و حق همگانی افراد در برخورداری از مسکن مبدل به نهاد رسمی جمهوری اسلامی شد (ن.ک: امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۶: ۵۱۸).

- بنیاد پانزده خرداد

بنیاد پانزده خرداد، یکی از نهادهای خدماتی بود که در سال ۱۳۶۰ متعاقب فرمان امام^(۶) برای رفع محرومیت و برطرف کردن مشکلات اقتصادی خانواده‌های شهدا، جانبازان و ایثارگران انقلاب اسلامی تشکیل شد. درواقع این بنیاد، مکمل بنیاد شهید انقلاب اسلامی بود علاوه بر اقدامات فرهنگی و اجتماعی، رسیدگی به معیشت اقشار ایثارگر جامعه را بر عهده داشت.

- بنیاد شهید

بنیاد شهید در ۲۵ اسفند ۱۳۵۸، به فرمان امام تأسیس شده و دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری است و امور آن طبق مقررات و قوانین مربوط به نهادهای عمومی و غیردولتی و زیر نظر رئیس‌جمهوری و تحت نظارت عالی‌رهبی اداره می‌شود (ن.ک: امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲: ۱۵۸).

- شورای عالی انقلاب فرهنگی

پس از تعطیلی دانشگاه‌ها در دوران انقلاب فرهنگی، به فرمان امام، ستاد انقلاب فرهنگی به‌منظور ساماندهی امور فرهنگی مدارس و دانشگاه‌ها تشکیل شد. فعالیت این ستاد از سال ۱۳۶۴، با عضویت رؤسای سه قوه و تعداد دیگری از اندیشمندان فرهنگی کشور به اعضای آن و باهدف گسترش نفوذ فرهنگ اسلامی در شئون جامعه، تحت عنوان شورای عالی انقلاب فرهنگی تداوم‌یافته است (ن.ک: امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲: ۴۳۱).

- نهضت سوادآموزی

در سال ۱۳۵۸ فرمان حضرت امام خمینی^(ع) در لزوم تشکیل نهضت سوادآموزی با دو هدف آموزش خواندن و نوشتن به افراد محروم از نعمت سواد و ارتقاء دانش بزرگسالان نوسواد در زمینه‌های مختلف و تبدیل فرهنگ وابسته کشور به فرهنگ مستقل و خودکفا صادر شد (ن.ک: امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۴۴۶-۴۴۷).

- شورای نگهبان

شورای نگهبان، در تیر ۱۳۵۹ کار خود را به طور رسمی و به فرمان امام جهت تعیین رسالت نظارت شرعی و قانونی بر قوانین و مصوبات مجلس و احراز اسلامیت کامل آن‌ها، شروع به فعالیت نمود (ن.ک: امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۳: ۵۳؛ اصول ۹۱ تا ۹۹ قانون اساسی).

- مجمع تشخیص مصلحت نظام

فرمان تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام در بهمن سال ۱۳۶۷ توسط امام صادر شد (ن.ک: صحیفه امام، ج ۲۰: ۴۶۳). با تشکیل این مجمع، بر اساس اختیارات ولایت‌فقیه، اختلاف بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان در خصوص احراز شرعی بودن یک قانون بر اساس مصلحت نظام فیصله داده می‌شود (ن.ک: اصل ۱۱۲ قانون اساسی؛ مطلبی، مسعود و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۱).

نتیجه گیری

امام خمینی^(۶) فردی صاحب سبک است که سبک خویش را پس از ایده‌پردازی نظری در ضمن برپایی و رهبری یک انقلابی سیاسی - اجتماعی کلان به منصفه ظهور رسانید. ادبیات گفتاری و نوشتاری امام در غالب سخنرانی‌ها، نامه و دستورات و نیز برپایی نهادهای جدید برای تحقق عینی منویات خویش این سبک را به پیش برده برده است. این رفتار امام خصوصیات و نتایج عملی ذیل را با خود همراه داشته است.

۱- با وضع واژه‌هایی ابداعی و انضمامی و مفاهیمی روزآمد و با معنابخشی نوین به مفاهیمی مستعمل، واژگان سیاسی نشست گرفته از مبانی نظری خویش را در ادبیات انقلابی جهان اسلام گسترش بخشیدند و با ایدئولوژیک کردن گزاره‌های مذهبی، گفتمانی را به ارمغان آوردند که مظهر پیوند افکار، اهداف، وظایف و احساسات به شمار می‌آمد؛ امام به واژه‌ها، معانی اعلای انسانی و الهی می‌بخشیدند تا از این رهگذر، نوع نگاه فرهنگ جدیدی را نهادینه سازد و جامعه انقلابی را تعالی بخشند؛ دعوت سبک پذیران، مخاطبان و مقلدان خویش به مواجهه با مهم‌ترین وظایف زندگی سیاسی با خطاب قراردادن آن‌ها با ارائه مفاهیمی بنیادین و نظری خویش در غالب الفاظی نو و ابتکاری، تأثیر شگفت و بی‌بدیلی در تحقق سبک داشته است؛ چراکه مواجهه مخاطبان و مقلدان سبک امام با واژگان خاص حاکی از آن سبک، تأثیری شگفت و بی‌بدیل در پایداری سبک ایشان داشته است.

۲- فرهنگی که امام با استفاده نوآورانه از این الفاظ خاص و جهت‌دار پایه‌گذاری می‌نمود علاوه بر اینکه مصداقی از ارائه راهکاری جدید برای برون‌رفت از چالش‌های پیش روی جهان اسلام و ملت‌های تحت ستم محسوب می‌شد؛ خود به‌نوعی تأسیس ساختار و نظام جهانی جدید و خاصی برای تسهیل نیل به اهداف سیاست الهی نیز قلمداد می‌شد. مهم‌ترین ویژگی این ادبیات که باعث منحصر به فرد شدن آن‌ها عبارت‌اند از محترمانه و مؤدبانه، همه‌فهم و مقبول، سرشار از اسطوره و نماد مذهبی و انقلابی، بصیرت افزا و راهگشا، حماسی و هیجان‌آفرین، وافی به اندیشه‌های فاخر در قالب بهترین الفاظ، شیوایی و لطافت در کلمات، روان، آلامد، وحدت‌بخش، شجاعانه، اثرگذار و برانگیزاننده، مطابق اقتضای مقام و مناسب حال مخاطب. امام در پیام‌ها و سخنان خود با بهره‌مندی از این خصوصیات انسانی و الهی ضمن استفاده از اصطلاحات، استعارات، تشبیهات و کنایاتی دل‌نشین، راهگشا، هیجان‌آفرین، اثرگذار، جوانانه مقصودرسان، حماسی، توفنده آلامد (امروزی)، نافذ و روحیه‌بخش بسیاری از بحران‌ها را مدیریت می‌کرد.

۳- این اتفاق عظیم و ماندگار باعث می‌شد طعم آزادی، قدرت ایمان و معرفت، نحوه و ثمره رشادت و اعتماد واقعی به خداوند در دل و جان مردم باقی بماند. بدین ترتیب آنها با شنیدن سخنان شیرین، دلربا و جذاب امام، جان تازه‌ای در مسیر مقاومت و مبارزه در برابر توطئه‌های دشمنان و تلاش برای رشد و تعالی

کشور می‌گرفتند. بدون این بُعد از ابداعات واژه ساز و استفاده از ادبیات روزمره و تکراری یا وام گرفتن از واژه‌های بیگانه و غیربومی علاوه بر آنکه عمق و حرارت منویات امام را نمی‌رسانید بلکه به نحوی نقض غرض، عدم التزام به خودباوری و نوعی غرب‌زدگی نیز محسوب می‌گردید. احراز تناسب و هماهنگی بین نوع الفاظ استفاده‌شده برای انتقال افکار و نظریات نهفته در یک سبک تبحر و ظرافت خاصی را می‌طلبد که صرفاً از صاحبان سبک‌های فاخر برمی‌آید. تسری برآیند حاصل از بینش و گرایش و موقعیت، به جامعه هدف، بیانی را می‌طلبد که با حفظ تمامی ظرایف و غنای محتوایی مفاهیم رفیع الهی و زیربنایی سبک بتواند انبعاث لازم را در آن‌ها ایجاد نماید.

۴- بهره‌مندی از این اقدامات علاوه بر شرایط ویژه‌ای که از آن برخوردار است چنانچه از حیث شخصیت امام - به‌عنوان یک طلبه یا یک مرجع تقلید یا یک کنشگر انقلابی سیاسی یا یک ایرانی مسلمان - آن هم در برهه‌های سخت از زمان و در شرایط خاص جغرافیایی و اجتماعی، مورد توجه قرار بگیرد؛ ارزش ابتکاری بودن آن نهادها و ادبیات روشن‌تر می‌شود. نهادهایی که بر اساس توجه به نیازهای زمان و اقتضاء شرایط و مبتنی بر نوع بینش و گرایش امام طراحی و بنا نهاده شد توانست در مدت کوتاهی ثبات لازم برای کنترل جامعه نوپیدای جدید پس از انقلاب را به ارمغان آورد. این فرایند نشان داد در سبک امام قدرت بر اساس حکومت قانون برآمد از ارزش‌های الهی بایستی در بین افراد جوامع توزیع شود و خود مردم برای ادای وظیفه قسط باید دائماً در حکمرانی حاضر باشند.

۵- هر کدام از این عبارات و الفاظ امام می‌تواند موضوعی برای تحقیق محققان برای یافتن وجوه عمیق و دلایل نهفته در ادای آن باشد تا هرچه بیشتر، نوع نگرش حضرت امام برای حل بحران‌های جهان امروز تبیین شود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

قرآن

- امام خمینی^(ع) (۱۳۸۵). **صحیفه امام**، ج ۱ تا ج ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ع).
- امام خمینی^(ع) (۱۳۶۳ق). **کشف‌الاسرار**، {بی‌جا}، {بی‌نا}.
- امام خمینی^(ع) (۱۳۸۸). **حکومت اسلامی** (ولایت فقیه)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ع).
- بیانات رهبر انقلاب، در تاریخ ۱۳۷۷/۷/۲۲؛ ۱۳۸۹/۳/۱۴؛ ۱۳۶۹/۱/۲ سایت <https://farsi.khamenei.ir>
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۱). «دبیات سیاسی امام خمینی (ره)»، **علوم سیاسی، اندیشه انقلاب اسلامی**، شماره ۳، صص ۳۸-۵۴.
- طاهری، حبیب‌الله (۱۴۱۸ق). **حقوق مدنی**، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، صادق (۱۳۸۷). **خاطرات سیاسی - اجتماعی دکتر صادق طباطبایی**، ج ۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی^(ع).
- غلام‌رضایی، محمد (۱۳۸۱)، **سبک‌شناسی شعر پارسی**، تهران: جامی.
- قاسمی، ضیاء (۱۳۹۲). **سبک ادبی از دیدگاه زبان‌شناسی**، تهران: امیرکبیر.
- قاسم‌پور، داوود (۱۳۸۳). **خاطرات محسن رفیق‌دوست**، تهران: تدوین مرکز اسناد.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی
- گوهری‌مقدم، ابوذر؛ لطیفی، سیدعلی (۱۳۹۴). «نگاره امت در اندیشه سیاسی امام خمینی^(ع)»، **سپهر سیاست**، شماره ۶، صص ۱۱۷-۱۴۱.
- محمدی، جمشید و احدی، پرویز (۱۳۹۶). «مدیریت بحران امام خمینی^(ع) در دوران جنگ تحمیلی»، **پژوهش ملل**، دوره دوم، شماره ۲۰، صص ۴۵-۶۰.
- مطلبی، مسعود و همکاران (۱۳۹۱). «انقلاب اسلامی ایران و بسط فقه سیاسی شیعه»، **مطالعات سیاسی**، شماره ۱۶، صص ۱۱۵-۱۴۸.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری (۱۴۱۳ق). **المقنعة** (للشیخ المفید)، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- هاشمی، سید علی و رنجبر، علی (۱۳۸۷). **تاریخ شفاهی کمیته انقلاب اسلامی**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

ب) منابع عربی

جعفر، خضیر (۱۳۷۸). **الإبداع السياسي عند الإمام الخميني**، میقات الحج (عربی)، شماره ۱۲، صص ۶۳-۷۴.

ج) منابع انگلیسی

- Ansbacher, heinz l. (1967) Life style: a historical and systematic review, University of Vermont, V. 23.
- Preziosi, Donald, ed. (2009) The art of art history: a critical anthology. Oxford University Press, USA. 19, no. 1 (1996): 23-40
- Scheys, Micheline (1987). The power of life style, *Loisir et Societe I Society and Leisure*, V10, No 2, pp249-266
- Veal, Anthony. J. (2000) leisure and lifestyle A Review and Annotated Bibliography, *Online Bibliography No. 8*, School of Leisure, Sport & Tourism, University of Technology, Sydney.